

منشـور

امّت اسلام

**سند جامع تبيين رويكرد نظام**

**به موضوع وحدت و يكپارچگي امّت اسلام**

**پيش‌نويس اول: ارديبهشت 1393**





مندرجات

**🡸 تعاريف اصطلاحات**

تعريف اجمالي اصطلاحات به كار رفته در سند، در راستاي القاي فهم صحيح از آن

**🡸 اصول حاكميّت اسلامي**

فهرستي از مباني زيربنايي اسلامي در امر حاكميّت

**🡸 راهبردهاي وحدت امّت اسلام**

بيان راهبردهاي كلّي نظام اسلامي براي دستيابي به وحدت اسلامي

**🡸 مباني دستيابي به راهبردها**

اهداف آرماني و شرايط واقعي نظام اسلامي كه راهبردهاي كنوني را ايجاب مي‌نمايند

**🡸 وظيفه نهادهاي حاكميتي نظام**

تشريح تكاليف قواي سه‌گانه نظام ونهادهاي ويژه در حفظ و تقويت وحدت امّت اسلام

**🡸 وظيفه جامعه اسلامي**

تكليف نخبگان، انديشمندان و عموم مردم در تحكيم وحدت امّت اسلام

**🡸 وضعيت سند**

توضيح سوابق سند جاري و شرح توليد و تصويب

تعاريف اصطلاحات

## رويكرد:

سبك، راه و روش، شيوه، منش و طريقه رفتار در يك موضوع مشخص را رويكرد مي‌ناميم. رويكرد توصيف‌كننده رويه‌اي است كه در رفتار فرد يا نظام نهادينه شده و پيوسته صورت مي‌پذيرد. عكس‌العمل مشخصي نسبت به موضوعي مشخص.

## حقوق اجتماعي:

هر فرد يا گروه از هر نظام اجتماعي داراي حقوقي است كه يا بالذات واجد آن است و يا بواسطه‌هايي از سوي نظام اجتماعي به او اعطا شده است. حقوقي كه در حفظ و پيشرفت نظام اجتماعي و اعتلا و رشد آحاد آن نظام نقش دارند. اين حقوق در سه گروه «حقوق سياسي»، «حقوق فرهنگي» و «حقوق اقتصادي» قابل دسته‌بندي هستند.

## تفتيش عقايد:

پرس و جو، كاوش و كندوكاوِ آن دسته از نگرش‌هاي اعتقادي و ايدئولوژي و جهان‌بيني فرد كه بروز روشني در رفتار او ندارند، به نحوي كه غرض از آن ايجاد نوعي تبعيض يا محدوديت در حقوق اجتماعي وي باشد. بديهي است اگر فرد اعمالي را به انجام رساند كه وي را منتسب به انديشه‌اي خاصّ نمايد، اطلاع از اين گرايش تفتيش عقايد محسوب نمي‌گردد. تفتيش عقايد صراحتاً منسوب به گرايشاتي است كه فرد به هر دليل پنهان نموده. تلاش براي كشف اين اعتقادات پنهاني «تفتيش عقايد» ناميده مي‌شود. مطابق اصل 23 قانون اساسي، تفتيش عقايد ممنوع است و صرف داشتن عقيده‌اي نمي‌تواند مستلزم تعرّض و مؤاخذه باشد.

## ترويج عقايد:

دعوت از پيروان ساير اديان، مذاهب و مكاتب به پيروي از انديشه‌اي خاصّ را ترويج عقايد مي‌ناميم، فارغ از اين‏كه فرد مروّج خود به عقيده ترويجي معتقد باشد يا خير. ترويج مي‌تواند بر بستر قول، فعل و يا حتي سكوت و تقرير تحقّق يابد و يا از ابزارهاي خواندني، ديداري، شنيداري، چندرسانه‌اي، هنري، مانند: كتاب، نشريه، فيلم، نقاشي، موسيقي، خط، مجسمه‌سازي، معماري و غيره بهره برد.

## تكفير:

كافر خواندن فرقه‌ها، مذاهب، مكاتب و افراد و گروه‌هايي كه خود مدعي ايمان به خداي متعال مي‌باشند. حتي اگر اين ادعا كذب باشد و در قلب آنان ايمان راه پيدا نكرده، مادامي‌كه نفي ضروري دين و مشتركات مذاهب ننموده باشند و صراحتاً نفي وجود پروردگار نكنند، كافر ناميدن آنان «تكفير» محسوب مي‌شود.

## ناهنجاري اجتماعي:

هر رفتاري كه مخالف ارزش‌ها و هنجارهاي پذيرفته نظام اجتماعي باشد، به نحوي كه بيانگر نوعي مقابله و هجمه به ارزش مورد نظر بوده و مُشعر به نفي آن باشد، ناهنجاري تلقّي مي‌گردد. حتي اگر به غرض نافرماني مدني و اجتماعي نباشد. ملاك در شناخت ناهنجاري اجتماعي مخالفت ‌آشكار با سيره متشرّعين در رفتار اجتماعي خويش است. طبيعتاً بخشي از اين سيره مستقيماً از متون وحياني اخذ شده و پاره‌اي به مرور زمان از رفتار صالحين و نخبگان ديني گرته‌برداري شده است.

## جرم‌انگاري:

جرم به هر فعل يا ترك فعلي گفته مي‌شود كه در قانون براي آن مجازات تعيين شده باشد. جرم‌انگاري به معناي بررسي و شناسايي افعال ناهنجاري است كه به دليل آسيبي كه به نظام اجتماعي و يا آحاد آن وارد مي‌آورند بايستي مجازاتي متناسب با شدّت آن آسيب براي آن‌ها تدبير گردد. اين مجازات بايد بازدارنده باشد و بتواند اكثريت افراد داراي انگيزه براي اعمال آن جرم را از مبادرت به آن منصرف نمايد. پس از تعيين مجازات قانوني، آن فعل تبديل به يك جرم مي‌شود و قدرت پيگرد حقوقي يا كيفري فاعل آن را به مسئولين انتظامي مي‌دهد.

## وحدت:

حفظ يكپارچگي آحاد اجزاء در يك كلّ به نحوي كه در تعامل با هم بتوانند سازوكار آن مجموعه را مستحكم نگهدارند، آن را از آسيب‌ها حفظ نمايند و در مسير پيشرفت و تعالي به حركت درآورند. لازمه وحدت، يكساني و تشابه كامل اجزاء با يكديگر نيست. مهم تأثير و تأثّرهاي متناسب با اهداف است، يا همان عدل به معناي قرارگيري هر جزء در مكان و موقعيت مناسب خود. مهم منتجّه آن كلّ است كه اگر متشتّت نباشد، بيانگر وحدت آحاد است.

## امّت اسلام:

جماعت بزرگي از مسلمانان كه تحت لواي «توحيد» در آمده و معتقد به «نبوّت» خاتم انبياء مي‌باشند و سرنوشت انسان را پوچ و تهي تلقّي ننموده، در قالب «معاد» قائل به بازگشت بشر هستند، براي ديدن سزاي عمل خويش‌. امّت اسلام همان امّتي است كه پروردگار آنان را «واحد» خوانده است: ﴿وَإِنَّ هَـٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [[1]](#endnote-2) هر فردي كه به اصول مشتركه دين شهادت بدهد داخل در امّت اسلام است.[[2]](#endnote-3)

## فرقه ضالّه:

هر گروه معتقد به انديشه‌اي منحرف و ناروا كه به دليل اساس نادرست اعتقادي خود نمي‌تواند در جرگه مذاهب و فرقه‌هاي اسلام قرار گيرد و خواه‌ناخواه به وحدت امّت اسلام آسيب وارد مي‌آورد فرقه ضالّه ناميده مي‌شود. در اين سند قصد قضاوت نسبت به حق و ناحق بودن مذاهب و فرق را نداريم، لكن آن دسته از فرقه‌هايي كه اساساً به دليل رفتار تشتّت‌زايي كه مبتني بر باورهايي نادرست است نمي‌توانند وحدت اسلامي را بپذيرند ضالّه محسوب مي‌شوند. طبيعتاً فرقه‌هايي كه تحت لواي نظام‌هاي استكباري و استعماري و به صورت سياسي ايجاد شده‌اند و مسير طبيعي پيدايش خود را نپيموده‌اند بارزترين مصاديق فرقه‌هاي ضالّه مي‌باشند.

## مذهب رسمي:

شاخه‌اي از دين كه از سوي نظام حاكم بر قلمرو جغرافيايي «حق» محسوب مي‌گردد و اجازه نشر و ترويج و گسترش به آن داده مي‌شود. بر حق دانستن مذهب رسمي به معناي عدم جواز اعتقاد به ساير مذاهب نبوده و مجازاتي براي ساير فرق محسوب نمي‌گردد. رسمي بودن يك مذهب، حقوق اجتماعي ساير مذاهب و اديان را نفي نمي‌كند. مذهب رسمي نظام جمهوري اسلامي ايران مطابق اصل 12 قانون اساسي «جعفري اثني‌عشري» و غيرقابل تغيير است. بر اساس همين اصل، مذاهب ديگر اسلامي داراي احترام كامل بوده و در عمل به فقه خود آزادند.

## اقليت مذهبي:

گروهي از هم‌كيشان و هم‌دينان در محدوده‌اي جغرافيايي كه مذهبي متفاوت از مذهب رسمي نظامي دارند كه اداره آن منطقه را بر عهده دارد، اگر چه در دين و باورهاي اصولي با نظام حاكم اشتراك دارند.

## اقليت ديني:

هم‌وطنان معتقد به هر كدام از اديان معتبر شناخته‌ شده غير از دين اسلام كه دين رسمي نظام است. اقليت‌هاي ديني معتبر به تصريح قانون اساسي شامل زرتشتي، كليمي و مسيحي مي‌گردد. اين اقليت‌ها در عمل به تعاليم دين خود در حدود قانون مجاز مي‌باشند.

## حقوق انساني:

هر فرد غيرمسلمان حتي اگر از اقليت‌هاي ديني معتبر نباشد، به تصريح اصل 14 قانون اساسي مادامي‌كه بر ضد اسلام و جمهوري اسلامي توطئه ننمايد واجد تمامي حقوقي است كه يك انسان از آن برخوردار است. او اين حق را دارد كه با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامي با او عمل شود.[[3]](#endnote-4)

## اعراض، دماء و اموال:

آبروي فرد را عِرض گويند و آن جايگاه و منزلت و موقعيت اجتماعي وي است در جامعه كه به واسطه آن اعتبار و شهرت مي‌تواند روابط اجتماعي خود با ساير آحاد را تداوم بخشد. مِن باب «عِرض المؤمن كدمه» هر گونه تعرّض و هدم و كاستن از اين پذيرش اجتماعي فرد، به واسطه نشر اكاذيب، زدن تهمت، كشف سرّ و اعلان معاصي پنهان، حرام مي‌باشد، مگر به جهت مصالحي از سوي شرع به عنوان مجازات يا ابزار پيشگيري از جرم‌هاي آتي.

دماء كنايه از حيات و زندگي بشر است كه اگر مورد تعدّي قرار گيرد و جان وي ستانده شود، تمام سرمايه او براي بودن در دار امتحان كه عبارت باشد از «حيات» و «عمر» دنيوي سلب شده است.

اموال حكايت از همه دارايي‌هاي منقول و غيرمنقول فرد است كه شارع تعلّق آن را به فرد اعتبار نموده و رسميت بخشيده است. به غير از طُرق معيّنه شرعيه نمي‌توان مالي را از ملكيّت مالك خارج نمود.

## فتنه:

هر گونه فعاليت تبليغي، سياسي، امنيتي، نظامي براي بر هم زدن آرامش نظام اسلامي و آسيب زدن به وحدت و امنيت ملّي و يكپارچگي امّت اسلام كه معمولاً با عوام‌فريبي و تدليس همراه است.

اصول حاكميّت اسلامي

بنا بر اعتقادات اسلامي هر انساني كه به سه اصل «توحيد»، «نبوّت» و «معاد» شهادت دهد مسلمان محسوب مي‌گردد و اعراض، دماء و اموال اين افراد محترم است و بايستي مصون بماند. همچنين در خصوص غيرمسلماناني كه در بلاد اسلامي و در زيرسايه اسلام زندگي مي‌نمايند، چه از اهل كتاب باشند و چه كافراني كه ماليات معيّنه (جزيه) مي‌پردازند، نيز همين اصل جاري است.

بنا بر اين اصل اولي، نظام اسلامي مبتني بر اصول ذيل حاكميت خود را اعمال مي‌نمايد:

1. هدف نظام اسلامي تحكيم وحدت ميان مسلمين براي **صيانت از اعراض، دماء و اموال** آنان در مقابل مستكبرين عالم است.[[4]](#endnote-5) قدرت مورد نياز براي چنين صيانتي تنها از مجراي «وحدت كلمه» حاصل مي‌گردد.
2. **داشتن هر عقيده و مذهب**، حق يا باطل، تا زماني كه به مرحله دعوت و ترويج نرسيده باشد و مخلّ به اعراض، دماء و اموال مسلمانان يا غيرمسلمانان نگردد مستوجب مجازات نمي‌باشد و جرم تلقّي نمي‌گردد.
3. زندگي در جامعه اسلامي و تحت لواي نظام و بهره‌مندي از حقوق اجتماعي اسلام نيازمند احراز اعتقادي نمي‌باشد و **تفتيش عقايد** در هر حدّ و اندازه‌اي غيرقابل پذيرش و حرام مي‌باشد.[[5]](#endnote-6)
4. **تصدّي مناصب** سياسي، فرهنگي و اقتصادي لاجرم محتاج احراز صلاحيت فرد، متناسب با حساسيت منصب مورد نظر است. اين احراز صلاحيت ممكن است در پاره‌اي موارد نيازمند مشخص بودن عقايد باشد. در مناصب حسّاس نمي‌توان به ادعاي متقاضي تصدّي منصب اعتماد نمود. شايستگي در اين موارد حتماً از طريق مُعرّفين و ادله مقتضي بايد احراز گردد. اما عدم احراز صلاحيت براي تصدّي منصب روشن است كه ساير حقوق اجتماعي را سلب نمي‌كند.
5. هر گونه تعرّض به اعراض، دماء و اموال مسلمانان يا غيرمسلمانانِ تحت سرپرستي نظام اسلامي جرم تلقّي مي‌گردد و اگر محرز شود انديشه و باور خاصّي مباشرتاً از طريق ترويج افكار مضرّ موجب تعرّض است، **فرقه مذكور ضالّه تلقّي شده** و تظاهر به آن جرم محسوب خواهد شد.[[6]](#endnote-7)
6. اگر احراز شود آثار هنري، نگارشي يا چندرسانه‌اي توليد شده بر بستر يك مكتب و عقيده‌اي، اسباب تعرّض به اعراض، دماء و اموال را پديد آورده باشد، **توليد و انتشار آن آثار جرم تلقّي شده** و مكتب مزبور نيز اگر از آن آثار برائت نجويد، مباشر در جرم محسوب گرديده و ضالّه به شمار مي‌آيد.
7. **اصل در مواجهه با تمامي عقايد و باورها «برائت» است**. لذا تا زماني كه ضالّه بودن يك فرقه، مكتب يا مذهب احراز نشده است، از حقوق مصرّحه در قانون اساسي برخوردار خواهد بود.[[7]](#endnote-8)

راهبردهاي وحدت امّت اسلام

از بررسي تهديدهايي كه نظام اسلامي با آن‏ها مواجه است و فرصت‌هايي كه در پيش رو دارد و ارزيابي قوّت‌هاي نظام اسلامي و ضعف‌هاي مقطعي در اين مرحله از تاريخ، اصولي به عنوان راهبردها و استراتژي‌هاي نظام در حفظ و اعتلاي وحدت امّت اسلام در نظر گرفته شده است.

اين اصول راهبردي كلان از يك سو جهت حركت نظام اسلامي در موضوع مذكور را تبيين مي‌نمايد و از سوي ديگر مبناي برنامه‌ريزي‌هاي بلندمدّت قرار مي‌گيرد.

1. **آزادي گرايشات:** آزادي گرايش، تفكر، انديشه، باورها و عقايد نعمتي است خدادادي به بشر. اين نعمت مادامي‌كه منجر به رفتار مجرمانه نشده و يا با ترويج خود اسباب تفرقه امّت اسلام را پديد نياورده نبايد سلب يا محدود شود. اين آزادي فرصتي است براي رشد و تعالي بشر بر اساس اختيار گرايشات، انديشه‌ها و افعال سره و صحيحه.[[8]](#endnote-9)
2. **علمي‌سازي گفتگوها:** تمامي تقابلات ميان مذاهب و اختلافات آراء بايد در مسيري كاملاً علمي و در فضايي نخبگاني طرح و بررسي گردد. طرح انديشه‌ها و گرايشات در چنين فضاهاي خاصّ نبايد مستوجب عواقب براي افراد باشد. بدينوسيله از جاري شدن اختلافات در ساير مسيرهاي تنش‌زا و طرح اختلافات در محيط‌هاي عمومي و غيرنخبگاني جلوگيري خواهد شد.
3. **ارتقاء روابط نخبگاني:** ارسال هيئت‌هاي علمي به مراكز آموزشي و پژوهشي مذاهب مختلف اسلامي و دعوت از هيئت‌هاي علمي آنان براي حضور در مراكز آموزشي و پژوهشي داخل كشور، راهبردي جهت افزايش روابط بين مذاهب در سطح نخبگاني‌ست كه مي‌تواند فاصله‌ها را بكاهد و در راستاي يكپارچكي امّت اسلام عمل نمايد.
4. **مجازات بازدارنده:** از باب ﴿الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾ [[9]](#endnote-10) هر گونه رفتار و يا نشر آثاري كه به عنوان آسيب براي وحدت امّت اسلام جرم‌انگاري شده باشد، به شدّت و دقّت و سرعت بايد مورد پيگرد حقوقي و كيفري قرار بگيرد. اگر سوء رفتار مذكور متعلّق به فرد باشد، آن فرد مجازات مي‌شود و اگر احراز شود رفتار مزبور ناشي از گرايشات فرقه يا مذهب خاصّي است، آن فرقه در فهرست فرق ضالّه قرار خواهد گرفت و از تمامي حقوق مذاهب آزاد در نظام اسلامي محروم خواهد شد.
5. **امّت جهاني:** امّت اسلام بايسته است كه به مثابه يك امّت جهاني تلقّي شود و محدود به يك منطقه جغرافيايي خاصّ نگردد. از اين منظر تمامي مسلمانان جهان به عنوان امّت اسلامي در دايره صيانت اعراض، دماء و اموال نظام اسلامي قرار دارند.
6. **آزادي مناسك:** مذاهبي كه در فهرست فرق ضالّه قرار نداشته باشند بايستي در انجام مناسك مذهبي خود در گستره پيروان‌شان آزاد باشند، تا زماني‌كه اين مناسك تهديدي براي اعراض، دماء و اموال سايرين محسوب نگردد.
7. **حرمت اهانت:** از اهانت، توهين و به‏كارگيري ادبيات تكفيري نسبت به هر مذهبي كه در فهرست فرق ضالّه قرار نداشته باشد بايد پرهيز و ممانعت شود، جرم‌انگاري شده و براي آن مجازاتي متناسب لحاظ گردد.
8. **عدالت اسلامي:** نظام اسلامي در توزيع مواهب الهي و درآمدهاي ملّي و عمران و آباداني مناطق رويكردي بر مبناي مساوات و برابري مطابق عدالت اسلامي دارد و هيچ فرد يا گروهي را به صرف داشتن اعتقاد و باوري خاصّ از اين نعمت‌ها محروم نخواهد كرد. به موجب ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّـهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [[10]](#endnote-11) نژاد، رنگ، زبان، جنسيت، طبقات اجتماعي، ميزان درآمد و مذهب هيچكدام ملاكي براي تبعيض در برخورداري از نعمت‌ها قرار نمي‌گيرد.
9. **پيگرد امنيتي:** در مواجهه با تهديدات استكبار جهاني عليه يكپارچگي امّت اسلام كه به هدف ايجاد اختلاف در مذاهب اسلامي و تجزيه امّت اسلام در راستاي سلطه و غارت اموال و هدم اعراض و ريختن دماء طراحي و اجرا مي‌گردد، نظام اسلامي راهبردي امنيتي اتخاذ مي‌نمايد. اگر احراز شود فرد، گروه يا فرقه‌اي در ارتباط با اين هدف استكبار فعاليت نموده و در پايگاهي مشخص تجهيز مي‌شود، نهادهاي اطلاعاتي و امنيتي بايستي مداخله نموده و چنين غدّه‌هاي سرطاني را شناسايي و متلاشي نمايند.
10. **يكپارچه‌سازي عملكرد نظام:** نظام اسلامي متشكل از حاكميت و مردم است. رويكرد نظام اسلامي نسبت به وحدت امّت اسلام كاملاً روشن و واضح مي‌باشد. بايد تلاش شود آحاد مردم در تمامي اقشار و طبقات اجتماعي؛ طلبه، بازاري، محصّل، كشاورز، صنعتگر، كارگر و كارمند و مسئولين در تمامي سطوح حاكميت با رويكرد نظام اسلامي آشنا شوند و بدان ملتزم گردند.
11. **وحدت با حفظ هويّت:** مسأله وحدت امّت اسلام در سايه تمامي اختلافات عقيدتي، فقهي و جزئي در مناسك عملي مطمح نظر است. لذا راهبرد نظام اسلامي حفظ هويّت‌هاي قومي، قبيله‌اي و مذهبي است و حاكميت، هر نوع تلاشي براي هدم تفاوت‌ها و سنّت‌ها و باورهاي اقليت‌ها را نادرست مي‌داند. مگر در مواردي كه رسم و سنّت يا اعتقاد و باور مذكور سبب تعرّض به اعراض، دماء و اموال غير شود.

راهبردهاي فوق بر مبناي سيره معصومين، صلوات‌الله عليهم اجمعين، اخذ شده و رويكرد هميشگي و پيوسته نظام اسلامي از ابتداي تأسيس تا كنون بوده است و علماي بزرگ اسلام قرن‌ها در مسير تحقّق آن گام برداشته‌اند.

مباني دستيابي به راهبردها

با توجه به اين‏كه راهبردها، اصولي كلّي بوده كه تبيين‌كننده جهت‌گيري نظام در راستاي دستيابي به اهداف آرماني، مقيّد به واقعيت‌هاي بيروني (تهديدات و فرصت‌ها) و توانمندي‌هاي دروني (قوت‌ها و ضعف‌ها) است و به نوعي درصدد است آرمان‌هاي متعالي را با محدوديت‌ها و امكانات واقعي موجود آشتي دهد، به نظر مفيد مي‌رسد در اين بخش از سند، مواد اوليه‌اي كه دستيابي به راهبردها را ممكن ساختند بيان شوند.

## اهداف آرماني نظام اسلامي

نظام جمهوري اسلامي ايران از بدو پيدايش درصدد بوده است تا:

1. تمدن حقّه اسلامي را بر منطقه‌اي از عالم بگسترد
2. از آزادي‌خواهان جهان در برابر سلطه‌گران حمايت نمايد
3. نظام عدل اسلامي را در تمامي زمينه‌هاي معنوي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و نظامي جاري سازد
4. آزادي‌هاي اساسي ارزش‌آفرين را كه شرط لازم براي شكوفايي استعدادها و توانايي‌هاست برقرار نمايد
5. به سلطه اقتصادي بيگانگان و چپاول منابع و نيروي كار پايان دهد
6. فقر و محروميت را با تأكيد بر ارزش كار ريشه‌كن كند
7. نظام آموزشي را متكي بر مباني اخلاقي، اجتماعي و تربيتي اسلام بنا نمايد
8. ارتشي با ايمان و مستقل كه وسيله سركوبي ملّت نبوده و مدافع مرزهاي كشور باشد ايجاد كند
9. ريشه‌هاي فساد و فحشا را به عنوان مانعي بزرگ در راه شكوفايي استعدادهاي نسل جوان خشك نمايد
10. سياست خارجي را مبتني بر استقلال نظام و احترام به استقلال و آزادي ملّت‌هاي ديگر و توسعه و تحكيم روابط برادرانه با همه مسلمانان جهان در زمينه‌هاي فرهنگي، اقتصادي و سياسي و داشتن روابط دوستانه با همه ملّت‌هاي غيرمتجاوز و كمك به محرومان و مستضعفان جهان و حمايت همه‌جانبه از ملّت‌هايي كه در راه حق و عدل و آزادي مبارزه مي‌كنند تنظيم كند.

## تهديدات نظام اسلامي

1. استكبار جهاني و دولت‌هاي استعمارگر، علي‌الخصوص آمريكاي جنايتكار و اسرائيل غاصب
2. گروه‌هاي تكفيري خارجي و داخلي
3. تعيين‌شدن مرزهاي بين‌المللي به نحوي كه همواره نوار مرزي ايران دستخوش هرج و مرج باشد
4. سرازير شدن منابع مالي فراوان از سوي دشمنان نظام به سوي فرق ضالّه
5. تلاش فرقه‌هاي ضالّه براي نفوذ استراتژيك و تغيير تركيب جمعيتي كشور
6. سوءاستفاده دشمنان از فضاي غبارآلود و عدم شفاف مواضع سياسي نسبت به فِرَق اسلامي

## فرصت‌هاي نظام اسلامي

1. چهره مثبت جهاني به دليل چند دهه مقاومت در برابر استكبار
2. اعتماد اكثر گروه‌هاي مبارز اسلامي و غيراسلامي جهان به ايران
3. درگيري دروني فرقه‌هاي تكفيري
4. عقايد خشك، خشن و ضد عاطفه و فطرت بشري دشمنان نظام اسلامي
5. بروز جريان‌هاي بيداري اسلامي در سال‌هاي اخير
6. افزايش چالش شرق و غرب و شكستن هژموني جهان تك‌قطبي
7. تضعيف فرسايشي دولت استكباري آمريكا، به دليل دهه‌ها ناتواني از حل معضلات جهاني
8. يأس ملّت‌هاي جهان از تحقّق شعارهاي ليبرال‌دموكراسي به عنوان سمبل قدرت غرب

## قوّت‌هاي نظام اسلامي

1. بهره‌مندي از حمايت‌هاي مردمي و ثروت عظيم اعتماد عمومي
2. وجود رهبري آگاه، مقتدر، مدير و مدبّر
3. سعه صدر نهادينه شده در مذهب رسمي كشور در تحمّل ساير مذاهب
4. همراهي اقليت‌هاي ديني و مذهبي با شعارهاي وحدت ملّي نظام اسلامي
5. وجود حكم «تقيه» به عنوان يك اصل راهبردي تعبيه شده از سوي شارع در جهت حفظ وحدت اسلامي
6. آزادانديشي و عدم تعصّبات جاهلانه در اكثريت ملّت ايران
7. فهم عميق ملّت ايران نسبت به ملاحم و فتن آخرالزمان به تبع پيروي از سيره اهل بيت صلوات الله عليهم
8. آزادگي ملّت از قيود دنيوي و آمادگي براي ايثار، به دليل اتكا بر سيره حضرت سيدالشهدا عليه السلام
9. جوان بودن نسل ملّت ايران، عامل اقتدار و هراس دشمن

## ضعف‌هاي نظام اسلامي

1. خود پنهان كردن انديشه‌هاي تكفيري در لابه‌لاي تفكرات اسلامي
2. سرعت كاهش رشد جمعيت و احتمال پير شدن تركيب جمعيتي در سنوات آتيه
3. وجود بعضي عالمان بي‌بصيرت، ناآگاه از شرايط جهاني و دامن‌زننده به اختلافات مذهبي
4. روند بي‌اعتمادسازي ملّي به دليل عدم شفافيت پاره‌اي فعاليت‌هاي اقتصادي نهادهاي نظام
5. ضعف شديد رسانه‌هاي داخلي در شعله گرفتن سريع شايعات و سوزاندن اعتماد مردم
6. تحيّر و ترديد اقشار مردم در موضوعات مرتبط با وحدت اسلامي،‌ به دليل عدم تبيين شفاف موضع نظام
7. بوروكراسي شديد اداري و ناكارآمدي نظام اجرايي و نظارتي، سبب عدم اطلاع سريع و صريح از ظلم‌هاي خُرد و كوچكي كه در شاخ و برگ ادارات بر ملّت روا داشته مي‌شود و ايجاد نارضايتي مي‌نمايد.
8. عدم اطلاع پاره‌اي از نخبگان و مردم از رويكرد صريح نظام در موضوع وحدت امّت اسلام و چگونگي مواجهه با موضوع اقليت‌هاي مذهبي و قومي
9. اهمال دولت در تدوين بسته سياستي منسجم براي مواجهه با جريان‌هاي ضد ديني كه در قانون برنامه پنجم بر عهده وي نهاده شده است.[[11]](#endnote-12)

## دستيابي به راهبردها

براي دستيابي به راهبردهاي نظام اسلامي در موضوع وحدت امّت اسلام، چهار همپوشاني و تقابل ذيل مورد توجه قرار گرفته است:

1. همپوشاني **قوّت‌ها** و **فرصت‌ها**
2. تقابل **قوّت‌ها** با **تهديدات**
3. تقابل **ضعف‌ها** با **فرصت‌ها**
4. همپوشاني **ضعف‌ها** و **تهديدات**

راهبردهايي كه در بخش مربوطه فهرست شده‌اند هر كدام متناسب با يكي از چهار همپوشاني يا تقابل فوق طراحي شده و به غرض بهره‌برداري بيشتر از فرصت‌ها يا غلبه بهتر بر تهديدات مدّ نظر قرار گرفته‌اند.

چهار دسته راهبردهاي: تهاجمي، اقتضائي، انطباقي و دفاعي، كه پاره‌اي به صورت مشترك و پيوسته با هم ذكر شده‌اند اساس راهبردهاي طرح شده در اين سند را شكل مي‌دهند.

وظيفه نهادهاي حاكميتي نظام

نهادهاي حاكميتي نسبت به رويكردي كه نظام اسلامي به وحدت كلمه امّت اسلام دارد وظايفي دارند كه فهرست اجمالي آن به قرار ذيل است:

## نهادهاي قضايي

1. جرم‌انگاري رفتارهاي مخلّ به وحدت امّت اسلام
2. اعتمادسازي نسبت به عدم پيگرد قضايي به صرف داشتن گرايش و اعتقاد خاصّ
3. تعيين قلمرو و مصاديق اجراي مناسك مذهبي مجاز و تبيين حدّ و حدود روشن آن
4. برخورد سريع، پرقدرت و شديد با مصاديق مجرمانه آسيب‌زننده به يكپارچگي نظام

## نهادهاي تقنيني

1. ملاحظه عدالت اسلامي در تدوين قوانين ناظر به توزيع مواهب الهي و عمران و آباداني
2. تداوم پذيرش نمايندگان اديان و مذاهب، متناسب با جمعيت، در جمع خود
3. نظارت بر حسن اجراي مساوات در توزيع امكانات توسط دستگاه‌هاي اجرايي
4. بررسي دقيق و تصويب قوانين پيشنهادي نهادهاي قضايي در خصوص مذاهب و امّت اسلام
5. تعيين ضوابط تشخيص و احراز صلاحيت‌ها براي تصدّي مشاغل حسّاس

## نهادهاي اجرايي

1. مبادرت به عمران و آباداني تمام جغرافياي نظام اسلامي
2. تلاش در مسير توسعه فعاليت‌هاي اقتصادي مولّد همه آحاد جامعه
3. به‏كارگيري نيروهاي شايسته از همه مذاهب، پس از احراز صلاحيت طبق ضوابط
4. رسيدگي خارج از نوبت به نيازمندي اقليت‌هاي ديني و مذهبي از باب تأليف قلوب
5. بروز سعه صدر اسلامي در مواجهه با تمامي مراجعين از تمامي مذاهب و گرايشات
6. تنظيم سند جامع «حقوق اجتماعي امّت اسلام» براي همگرايي پرسنل اداري و اجرايي كشور

## نهادهاي اطلاعاتي و امنيتي

1. شناسايي رفتارهاي پنهاني و مخفيانه مجرمانه عليه امنيت امّت اسلام
2. تحقيق و كنكاش در عوامل بر هم زننده وحدت و يكپارچكي امّت اسلام
3. رصد مراكز حساس و پيش‌بيني بروز فتنه‌هاي آسيب‌زننده به وحدت نظام اسلامي
4. رديابي روابط پنهاني عوامل استكبار جهاني در مسير ايجاد اختلاف بين مذاهب
5. يافتن مراكز تجمع فتنه‌گران و اقدام به عنوان ضابط قضايي
6. احراز ضالّه بودن فرقه‌ها بر اساس تناسب رفتار ناهنجار پيروان با انديشه‌هاي ترويجي آن فرقه

## نهادهاي آموزشي

1. عدم اصرار بر تغيير مذهب اقليت‌ها به مذهب رسمي
2. تأكيد بر آگاه‌سازي آحاد جامعه نسبت به مباني مذهب رسمي در قالب واحدهاي آموزشي
3. اجازه آموزش مباني مذاهب غيرضالّه در ميان پيروان خود
4. آموزش‌هاي پيشگيرانه نسبت به آلوده شدن به شبهات تكفيري

## نهادهاي پژوهشي

1. تخصيص بخشي از توانمندي خود براي پژوهش در اشتراكات مذاهب
2. پرداختن به فقه مقارن و تطبيق نظريات علمي مذاهب
3. هجمه شديد علمي به انديشه‌هاي تكفيري و پاسخگويي به شبهات آنان
4. افزايش تعامل با نهادهاي پژوهشي ساير مذاهب و بلاد اسلامي در راستاي افزايش وحدت امّت اسلام
5. فراهم نمودن فضاي نخبگاني و علمي براي طرح تمامي آراء چالش‌برانگيز و پاسخ دادن به آن آراء
6. هدايت تمامي مدعيان فرق ضالّه به فضاهاي خاصّ نخبگاني براي طرح آراء خود
7. توليد آثار پژوهشي روشنگر تلاش استكبار جهاني در ايجاد تفرقه بين مذاهب

## نهادهاي تبليغي

1. آگاه‌سازي مردم نسبت به وظايف آحاد جامعه در راستاي حفظ امنيت و يكپارچگي امّت اسلام
2. تبيين توطئه دشمن در تئوري «تفرقه بيانداز، حكومت كن»
3. معرفي «تقيه» به عنوان ابزاري اسلامي در راستاي ارتقاء وحدت امّت اسلام
4. تبيين مرارت‌هاي متحمّل شده توسط معصومين، عليهم صلوات الله، در راستاي حفظ اسلام
5. حضور در اجتماع اقليت‌هاي مذهبي و اظهار ملاطفت و احترام اسلامي
6. دعوت از حضور سران و پيروان مذاهب اقليت در مناسك مذهبي رسمي كشور
7. تلاش براي حضور حداكثري پيروان تمامي اديان و مذاهب در مسائل اصلي نظام اسلامي، مانند: راهپيمايي‌ها، انتخابات‌ها و اعياد، به عنوان راهكاري براي ايجاد روحيه يأس در قلب دشمنان جهان اسلام
8. اعتمادسازي نسبت به صداقت نظام اسلامي در موضع‌گيري نسبت به اقليت‌ها

## نهادهاي رسانه‌اي (صداوسيما، روزنامه‌ها، نشريات و…)

1. تشويق تهيه‌كنندگان رسانه به توليدات مروّج وحدت امّت اسلام و كاهنده برخوردهاي مخرّب اجتماعي
2. تبيين استراتژي «وحدت با حفظ هويّت» در عرصه رسانه
3. پرهيز از دامن زدن به اختلافات مذهبي
4. منحصر كردن مباحث اختلافي و بررسي‌هاي پژوهشي مذهبي به شبكه‌ها و بخش‌هاي خاصّ علمي و تخصّصي كه معمولاً مخاطب نخبگاني دارند، نه همگاني
5. ترويج سعه صدر اسلامي در همه اقشار جامعه

وظيفه جامعه اسلامي

تنها راه حفظ اسلام در برابر هجمه‌هاي استكبار جهاني و دشمنان تعالي و رشد بشر، تلاش براي حفظ و ارتقاء وحدت امّت اسلام است. اين مهم عملاً بر دوش تمامي آحاد جامعه مي‌باشد و استثناء ندارد. همه مسلمانان مكلّف هستند در اين راه گام بردارند و حفظ ارزش‌ها را در كنار حفظ يكپارچگي تعقيب نمايند.

## نخبگان، انديشمندان و خواصّ

در اين ميان اما نخبگان و انديشمندان كه خواص جامعه اسلامي محسوب مي‌گردند بيشتر از ساير آحاد جامعه مكلّف مي‌باشند. نخبگان همان عناصر فرهنگ‌سازي هستند كه به جهت متّبع بودن آرائشان نزد پاره‌اي از بدنه نظام اجتماعي و مورد اعتماد بودن و محل وثوق، هر رأي و نظرشان و هر رفتار و عملشان بر طيف گسترده‌اي از جامعه به صورت مباشر و گاهي غيرمباشر تأثير مي‌نهد. اين افراد وظايفي به شرح ذيل دارند:

1. دقت، تأمل و انديشه در راهبردهاي وحدت امّت اسلام و يافتن راهكارهاي حفظ و ارتقاء آن
2. تعامل با نخبگان ساير فرق و مذاهب
3. ترويج گفتمان وحدت اسلامي با توجه به طرد فرق ضالّه
4. جايگزين نمودن فرهنگ گفتگوي علمي، با درگيري متعصبانه در منازعات مذهبي
5. ياري رساندن حاكميت در انجام وظايف خود با هدايت و حمايت مسئولين

## گروه‌هاي مرجع هنري و ورزشي

آن قسمت از بدنه جامعه كه به دليل موفقيت‌هاي هنري مورد توجه بخشي از مردم مي‌باشند، مانند: شعرا، مداحان، سينماگران و… يا به دليل موفقيت‌هاي ورزشي، معمولاً از سوي طيف وسيعي از جامعه خصوصاً در سنين نوجوان و جوان به عنوان الگو شناخته مي‌شوند، نيز وظايف سنگين‌تري نسبت به ساير اقشار دارند.

1. از صحبت‌ها و رفتارهاي تفرقه‌آميز پرهيز نمايند
2. رويكرد مثبت خود را نسبت به حفظ وحدت اسلامي آشكار كنند
3. در صورت انتشار شايعات تفرقه‌افكن، فوراً از فرق ضالّه و فتنه‌گر برائت جويند

## بدنه مردمي نظام اسلامي

1. نسبت به همه اقشار جامعه اسلامي مدارا و تحمّل نمايند
2. از گفته‌ها و رفتارهاي تفرقه‌افكنانه ديگران به مثابه منكر نهي نمايند[[12]](#endnote-13)
3. در حضور اقليت‌هاي مذهبي، به احترام وحدت امّت اسلام، آن بخش از مذهب خود را كه مي‌تواند موجب تفرقه و اختلاف و چالش باشد بروز ندهند و آشكار نسازند.
4. يكديگر را به صبر و مدارا توصيه نموده و آگاه نمايند كه دشمن نظام اسلامي چگونه در كمين اختلافات نشسته، تا جبهه واحد اسلامي را تكه‌پاره نموده و بدرد.
5. نسبت به گفته‌ها و رفتارهاي مسلمانان با حُسن ظن قضاوت نموده و تا پيش از احراز انگيزه‌هاي خائنانه بنا را بر برائت بگذارند.
6. مترصد نداي ياري نظام اسلامي باشند، تا در بزنگاه‌هاي فتنه به سرعت در صحنه حاضر شده و چشم فتنه‌گران و فرق ضالّه و ضربه‌زننده به وحدت امّت اسلام را كور نمايند، گروه‌هايي كه ابزار سلطه نظام استكبار جهاني گشته‌اند.
7. توجه به اين نكته كه قدرت نظام اسلامي به وحدت كلمه است و اين وحدت در صورت بروز رفتارهاي خودجوش مردمي و خارج از ضوابط و كنترل‌هاي اجتماعي به چالش كشيده مي‌شود. در غبار فتنه‌گري‌ها بدنه جامعه بايد در جستجوي موضع‌گيري‌هاي صريح خواصّ اهل حق باشد، تا خداي نكرده آب به آسياب دشمن نريزد و بر طبل تفرقه و جدايي نكوبد.

وضعيت سند

سند حاضر درصدد «تغيير رويكرد» يا «تغيير تكاليف» و يا «افزايش مسئوليت‌ها»ي نظام اسلامي و نهادهاي تابعه آن نمي‌باشد. بلكه تنها بيانگر و تبيين‌كننده رويكردي است كه نظام اسلامي از بدو پيدايش نسبت به اقليت‌هاي مذهبي و ديني داشته و به صراحت در قانون اساسي بيان نموده و توصيف‌كننده تكاليف و وظايفي است كه نهادهاي حاكميت و اقشار مردم تا كنون بر عهده داشته و همچنان بر دوش دارند.

اين سند بر اساس گزارش‌هاي تهيه شده از نشست‌هاي …………………… و با اتكا بر نظرات اعضاي شوراي پژوهشي …………………… تدوين شده است و از مرامنامه و خط‌مشي حزب جمهوري اسلامي نيز بهره برده است.

بخشي از سند حاضر توسط حجةالاسلام …………… تهيه گرديده كه توسط حجةالاسلام موشَّح بازتنظيم شده و به عنوان پيش‌نويس در دوم ارديبهشت 1393 تقديم شوراي پژوهشي شده است.

تمامي فعاليت‌هاي پسيني بر اين سند در اين بخش اضافه مي‌گردد، تا به عنوان سابقه حفظ شود؛ از قبيل ويرايش، تصويب و ابلاغ رسمي.

اين سند در صورت تصويب در شوراي پژوهشي به كمسيون ………… ارائه شده و در صورت تصويب به رؤيت اعضاي محترم جامعه مدرسين خواهد رسيد. 🏱

1. . مؤمنون:52، مشابه: انبياء:92 [↑](#endnote-ref-2)
2. . اصل 11 قانون اساسي: به حکم آيه کريمه «ان هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان يک امت‏اند و دولت جمهوري اسلامي ايران موظف است سياست کلي خود را بر پايه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامي قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سياسي، اقتصادي و فرهنگي جهان اسلام را تحقق بخشد. [↑](#endnote-ref-3)
3. . اصل 14 قانون اساسي: به حکم آيه شريفه «لا ينهاکم الله عن الدين لم يقاتلوکم في الدين و لم‏ يخرجوکم‏ من ديارکم‏ ان تبروهم و تقسطوا اليهم ان‏ الله يحب المقسطين» دولت جمهوري اسلامي ايران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غير مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامي عمل نمايند و حقوق انساني آنان را رعايت کنند. اين اصل در حق کساني اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوري اسلامي ايران توطئه و اقدام نکنند. [↑](#endnote-ref-4)
4. . اصل 22 قانون اساسي: حيثيت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردي که قانون تجويز کند. [↑](#endnote-ref-5)
5. . اصل 23 قانون اساسي: تفتيش عقايد ممنوع است و هيچ‌کس را نمي‌توان به صرف داشتن عقيده‏اي مورد تعرض و موُاخذه قرار دارد. [↑](#endnote-ref-6)
6. . اصل 26 قانون اساسي: احزاب، جمعيت‏ها، انجمن‏هاي سياسي و صنفي و انجمنهاي اسلامي يا اقليتهاي ديني شناخته‌شده آزادند، مشروط به اين که اصول استقلال، آزادي، وحدت ملي، موازين اسلامي و اساس جمهوري اسلامي را نقض نکنند. هيچ‌کس را نمي‌توان از شرکت در آنها منع کرد يا به شرکت در يکي از آنها مجبور ساخت. [↑](#endnote-ref-7)
7. . اصل 37 قانون اساسي: اصل، برائت است و هيچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمي‌شود، مگر اين که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. [↑](#endnote-ref-8)
8. . اصل 9 قانون اساسي: در جمهوري اسلامي ايران، آزادي و استقلال و وحدت و تماميت اراضي کشور از يکديگر تفکيک ناپذيرند و حفظ آنها وظيفه دولت و آحاد ملت است. هيچ فرد يا گروه يا مقامي حق ندارد به نام استفاده از آزادي، به استقلال سياسي، فرهنگي، اقتصادي، نظامي و تماميت ارضي ايران کمترين خدشه‏اي وارد کند و هيچ مقامي حق ندارد به نام حفظ استقلال و تماميت ارضي کشور آزاديهاي مشروع را، هر چند با وضع قوانين و مقررات، سلب کند. [↑](#endnote-ref-9)
9. . بقره:191، مشابه: بقره:217 [↑](#endnote-ref-10)
10. حجرات:13 [↑](#endnote-ref-11)
11. . ماده 5 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوري اسلامي ايران: به منظور تبيين مباني اسلام ناب محمدي (ص) و فرهنگ غني قرآن كريم، انقلاب اسلامي و انديشه‌هاي ديني و سياسي حضرت امام خميني (ره) و مقام معظم رهبري و نيز شناساندن و معرفي فرهنگ و تمدن اسلامي ـ ايراني و گسترش خط و زبان و ادبيات فارسي به ويژه براي ايرانيان خارج از كشور، با تأكيد بر تقريب مذاهب اسلامي و تقويت گفت و گو و همگرايي بين پيروان اديان و نخبگان علمي و فكري جهان و توسعه ارتباط و همكاري با مراكز ايرانشناسي، اسلام‌شناسي و صيانت از مفاخر معنوي، فرهنگي و علمي «سند ملي توسعه روابط فرهنگي جمهوري اسلامي ايران در سطح بين‌الملل» تا پايان سال اول برنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي) با همكاري وزارت امور خارجه و ساير دستگاه‌هاي مرتبط، شوراي عالي حوزه علميه قم و جامعه المصطفي العالميه تهيه و به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد. [↑](#endnote-ref-12)
12. . اصل 8 قانون اساسي: در جمهوري اسلامي ايران دعوت به خير، امر به معروف و نهي از منکر وظيفه‏اي است همگاني و متقابل بر عهده مردم نسبت به يکديگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرايط و حدود و کيفيت آن را قانون معين مي‌کند. «و الموُمنون و الموُمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر». [↑](#endnote-ref-13)